

## قرآن و عصر اطلاعات و ارتباطات ( عصر انفورماتیک )

زهرا حسنی \* -مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

### چکیده:

دوران مدرن مفاهیم تازه ای را در باب چگونگی انجام نقشهای اجتماعی تازه در جهت پیشرفت جامعه ایجاد کرده است و بشر در همین وضعیت بدنبال تعریف جایگاه معنوی خویش است و می خواهد ارزشهایش را بسته به موقعیتهای به سرعت متغیر روشن سازد. چرا که در دوران ما تصور عمومی بر آن است که جهان دین در مقابل جهان واقعیات عصر، کوچکتر و کوچکتر می شود، چون پیشرفت اجتماعی به نوعی به عقلانیت شخصی و مجموعه ای از ساخت های اجتماعی عملگرایانه منتهی می شود. بنابراین در این مقاله سعی شده است، نقش بسزایی که آیات قرآنی در جوامع انفورماتیک ( عصر ارتباطات و اطلاعات ) ایفا نموده است و مفاهیمی که از آیات کریمه قرآن بدست می آید ذکر شود. زیرا ظاهر قرآن آنچنان نظام مند و دارای سازگاری درونی است که هیچ خدشه ای را بر نمی تابد و همچنین قرآن را باید دارای مبانی مدونی دانست و متذکر شد که قرآن حاوی یک مبانی منسجم و هماهنگی است، یعنی انسان ایده آل قرآن، انسان جهان ساز و جامعه ساز می باشد، صرفاً انسانی منفعل از جهان وطبیعت، بلکه انسانی آبادگر و اصلاح گراست، چرا که دین مقدس اسلام زاینده، پدیدآورنده و بنیان گذار سیستم باز برای زندگی بوده اند که در هیچ مکتب فلسفی و علمی چنین ویژگی دیده نمی شود. سازه های این سیستم حیاتی عبارتند از: خدا، انسان، دنیا و آخرت.

« و ما یستوی الاعمی و البصیر و لا الظلمت و لا النور و لا الظل و لا الحرور و ما یستوی الاحیاء و لا الاموات ان الله من یشاء » فاطر ۱۹- ۲۲

واژه های کلیدی: آیات قرآنی، عصر اطلاعات و ارتباطات ( انفورماتیک )، سازه های درونی و بیرونی.

### آیات قرآن و دوران بعثت تا عصر اینترنت:

چندین قرن از میلاد پیامبر گرامی اسلام می گذرد، پیام آوری که در مکه با نزول فرشته وحی الهی و ابلاغ رسالتش، از همانجا اسلام را آغاز کرد، اسلامی که با گذشت هر روز از عمرش بیشتر عصر گسترش فناوری نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی را مسخر خویش کرده است.

زیرا نظام سیاسی قرآن نظام مند و سیستماتیک است. حضرت علی (ع) درباره قرآن می فرماید: « ظاهر العنیق و باطن عمیق »

یعنی ظاهر قرآن آنچنان نظام مند و دارای سازگاری درونی است که هیچ خدشه ای را بر نمی تابد ، چنین سازگاری درونی ، نظام سیاسی قرآن را نیز در برمی گیرد ، چنان که نظام سیاسی قرآن چنان سازگار است که هیچ مکتب سیاسی دیگری امکان مواجهه با آن را ندارد ، اغلب مکاتب سیاسی بشری اجزایی ناسازگار با هم دارند و مستلزم ایهام و ابهام اند . در صورتیکه حقوق زن و مرد در قرآن ، به صورت انسانی تنظیم شده ، یعنی زن و مرد در اسلام مکمل یکدیگر هستند ، ولی در مکاتب عرضی و بشری دیگر مانند فمینیست ، چنین چیزی نیست .

در قرآن به انسان توصیه می شود طبیعت و جهان را بساز ، نه نابود کن ، باید در اجتماع سازماندهی کرد ، نه بحران سازی . قرآن همواره با باورمند کردن طبیعت در درون انسان پیام می دهد ، یعنی بشر باید طبیعت را باور نه ضایع کند ، حتی می گوید این طبیعت « لتبین کل شیء » اگر اختلافی در این طبیعت پیدا کردید ، آن اختلاف را بگوئید ، همه چیز در این طبیعت سازگاری درونی دارد .

قرآن را باید دارای مبانی مدونی دانست و متذکر شد که قرآن حاوی یک مبانی منسجم و هماهنگی است ، یعنی انسان ایده آل قرآن ، انسان جهان ساز و جامعه ساز می باشد ، صرفاً انسانی منفعل و منتزع از جهان و طبیعت ، بلکه انسانی آبادگر و اصلاح گراست .

در ادامه باید گفت ، قرآن متمایز از دیگر ادیان و مکاتب الهی و بشری می باشد و قرآن را به گونه ای دیگر توصیف و تصریح کرد ، قرآن کتاب مکتب اسلام است ، تنها کتابی است که هم دینی به معنای آن است و هم مکتبی مدنی و مردمی است ، چرا که برخی از مکاتب و ادیان یا دینی نیستند ، یا فرآیند مدنی در آنها برجسته نیست . مثلاً در مسیحیت رابطه خداوند با انسان یک رابطه کاملاً شخصی است ، در حالیکه قرآن به دنبال امت سازی است . « ابن خلدون » در این رابطه می گوید : « جهاد و دولت اولین نهادهایی است که اسلام در یک فضای بدوی برای حفظ سیستم نظام اسلامی تأسیس کرده ، بنابراین نهادهای تأسیس شده توسط اسلام کمال مدنیت یک دوران تاریخی است » . از طرفی ملاصدرا درباره اتفاق دیانت و سیاست می گوید : « الدین و السلطان توأمان » که کاملاً اشاره به مدنیت سازی اسلام است . یعنی اسلام خارج از ابعاد معنوی به ابعاد مدنی و مادیات نیز توجه دارد و « امر بالبلاد » ، یعنی انسان فقط مادیات نیست ، بلکه توسعه هم است ، البته توسعه در جهت تعالی . ملاصدرا به « شأن نزول آیات قرآن » اشاره و اظهار می کند : که باید تمامی شالکه قرآن را در جایگاه خود قرار دهیم ، هر آیه و کلمه ای را که می خواهیم بررسی کنیم باید آن را در افق شأن نزول و مناسبت تنزیلی و بطور کلی پارادایمی که آن شالکه در آن معنا پیدا می کند ، قرار دهیم .

قرآن مجید و سایر آموزشهای اسلمی الگوهای نمونه ای را به جوامع بشری ارائه نموده اند و از پیروان خود می خواهد که آنها را سرمشق خود قرار داده و از آنها پیروی نماید . پیروی از این افراد از آن جهت که هم فرد و هم جامعه را به رشد می رساند به کرات مورد تأکید قرار گرفته است و در هر قسمت قرآن که از این حکایت دیده می شود صریحاً ذکر گردیده است که منظور از ذکر آنها تقویت نیروهای فکری و آمادگی بیشتر برای زندگی و تفکر در حال اقوام گذشته و عبرت گرفتن می باشد . « قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ » .

قرآن اقتصاد و مدیریت را دو رکن جامعه اسلامی می داند و علت عقب ماندگی از دشمن را نبود یا کمبود و نقصان این دو اصل می شمارد . از دیدگاه قرآن ، گسترش علم و آگاهی در جامعه مستلزم بالا بردن علم افراد آن می باشد که اگر چنین چیزی روی دهد جامعه اسلامی از بسیاری از مشکلات و خطرات مصون و محفوظ می ماند . و در کل باید گفت ، قرآن برنامه ای جامع و دستوراتی کامل برای رسیدن به جامعه مطلوب به انسانها می دهد که افراد با بکار بستن آن و ثبات در اجرای قوانین آن به این جامعه دسترسی می یابند .

### ویژگیهای عنصر اطلاعات و ارتباطات ( جوامع انفورماتیک ) :

عصر ارتباطات و اطلاعات گرچه تولد یافته و مراحلی از زندگی خویش را سپری کرده و با گذشت هر روز چیرگی اش بیش از پیش گسترش یافته ، اما هنوز تمامی هویت پیامدها و لازمه های آن به حقیقت نپیوسته و در گذر ایام بخشهای ناپیدای آن هویدا و چهره ناقص آن کامل و کارکردهای نوین و ویژه اش نمایان خواهد شد .

به همین جهت داوری جامع و فراگیر درباره ویژگیهای این عصر نمی توان داشت ، لیکن می توان ویژگیهایی که تاکنون در این عصر تولد یافته اند بیان کرد بدین شرح است :

الف ( پویایی ، شکوفایی و چیرگی عقلانیت بشری بویژه علم و تکنولوژی علم محور .

ب ( گوناگونی و بسیاری فکری و روشی ، یعنی در این عصر نه تنها روشها و اندیشه های گوناگون تولید شده بلکه فراتر از آندر سامان دهی حیات بشری در عرصه های گوناگون زیستی به کار گرفته می شوند و هیچ اندیشه و روشی فراتر از نقد و بازبینی دوباره قرار نگرفته بلکه همیشه و همه گاه پالایش می شوند و در فرجام تکامل می یابند .

ج ( لازمه تولد و اعتماد و احترام به خردجمعی توسعه مشارکت نظارت دخالت و هموردی مردم در تمامی کارهای حیاتی اعماز سیاسی اقتصادی علمی تکنیکی اخلاقی فرهنگی دینی است . از این رو رقابت نظارت مشارکت دخالت از حقوق اساسی و حیاتی انسان در این عصر شناخته شده است .

د ( دانش و اطلاعات سرچشمه قدرت و اقتدار سیاسی اقتصادی فرهنگی اجتماعی می گردد و به مانند معیار وملاک جامعه پذیری عمل می کند . به همین جهت در عرصه سیاست دانشمندان اندیشوران تکنیکها قدرت سیاسی را به دست خواهند گرفت . و در میدان اقتصادی مدیران بیشتر از سرمایه داران درآمد کسب می کنند و ود میدان هموردی و تلاش برای پیشی جستن پیروزی از آن کسی است که دانش فراوان و اطلاعات گسترده و طبقه بندی شده در اختیار دارد . کار و تولید بیش از آن که به قدرت عضلانی و نیروی فیزیکی وابسته باشد به قدرت فکری و نیروی دانش متکی می شود .

ه ( چند شخصیتی و گسترش کوششها و تلاشهای خدماتی و مدیریتی از ویژگیهای دیگر این عصر به شمار می آیند .

ی ( شتاب در دادو ستد رد و بدل و پیوند و افزایش رویکرد به ارزشهای فرامادی مانند محیط زیست رفاه عمومی و غیره . موردهای یاد شده محورهای کلی و در ضمن اساسی ویژگیهای عصر اطلاعات و ارتباطات را تشکیل می دهند .

### کارآمد آیات قرآنی در عصر اطلاعات :

ادیان توحیدی بویژه دین اسلام زاینده ، پدید آورنده و بنیان گذار سیستم باز برای زندگی بوده اند که در هیچ مکتب فلسفی و علمی چنین ویژگی دیده نمی شود . سازه های این سیستم حیاتی عبارتند از : خدا ، انسان ، دنیا و آخرت و در کل کارآمدی هر امری به سه هدف استوار است :

۱- هدفهای نهایی که استوارسازی پایه های اجتماعی خداوند محور است .

۲- هدفهای میانی برآوردن حقوق انسانی و حقوق الهی در سایه یک نظام حقوقی .

۳- هدفهای اولی یا کوتاه مدت ، استقرار و گسترش عدالت اجتماعی است .

دو هدف اخیر گذشته از آنکه هویت هدفی دارند در مراحل به مانند روش رسیدن به هدف نهایی نیز کاربرد دارند .

« فَمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا تَعْضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ » آل عمران ۱۵۹/

پس به سبب رحمت و بخشایش از سوی خداوند چنان نرم خویی با آنها داشتی که اگر درشت خو و ستیزه دل بودی از گرد تو پراکنده می شدند . پس آنان را ببخش و از ایشان فرا گذار و به ایشان آموزش خواه و در کاری که پیش آید با آنان مشورت کن .

« وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مِنْ يَخَافُ وَعِيدٌ » ق ۴۵

ما دانائیم به آنچه آنان می گویند . و تو ای محمد برایشان نه پادشاهی نه کامران پس پند ده به قرآن کسانی را که از وعده های بیمناک من می ترسند . و تفسیر این آیه چنین است که ، در برابر آنچه می گویند صبر کن ، برای اینکه ما می دانیم که چه ها می گویند ، و تو که نمی توانی مجبورشان سازی ، پس تنها وظیفه ات

اینست که با قرآن تذکرشان دهی تا آنان که از تهدید خداوندشان می ترسند متذکر شوند ، و کلمه ( جبار ) در این آیه به معنای تسلطی است که بتواند مردم را بر اجرای خواسته های خود مجبور سازد.

### از آیات مبارکه بالا می توان نکات زیر را نتیجه گیری کرد:

- الف ) پیام رسان (فرد گروه جامعه ) شایستگیهای اخلاقی ، رفتاری ، معرفتی باید داشته باشد .  
ب) عرضه پیام در یک سیستم باز و آزاد انجام پذیرد و از الگوهای به طور کامل دارای وجود خارجی و کاربردی استفاده شود .  
ج) پیام گذشته از آن که از حیث درونمایه گوناگون باید باشد در بردارنده گزاره ها و جستارهای جدید راهگشا نیز باشد .  
د ) پیام می بایست مورد نقد قرار گیرد و در عرضه پیام نباید از هیچ اهرم فشار و زور استفاده بشود بلکه افزایش سطح معرفتیه مانند داربست قبول آگاهانه و آزادانه به جد مورد توجه قرار بگیرد .

« و ما یستوی الاعمی و البصیر و لا الظلمت و لا النور و لا الظل و لا الحر و ما یستوی الاحیاء و لا الاموات ان الله یسمع من یشاء » فاطر ۱۹ - ۲۲

نا بینا و بینا ( نادان و دانا ) یکسان نیستند نه تاریکیها با روشنی ( کافر و مومن ) همسان باشند و نه سایه خنک با گرمای سوزان ( بهشت و دوزخ ) یکی باشند . و مساوی نیستند زندگان و نه مردگان . البته خداست که می شنود هر که را بخوهد .

« الا تزر وازرةٌ اخرى و ان لیس لالنسان الا ما سعی و ان سعیه سوف یری » النجم ۳۸ - ۴۰

هیچکس بار کس دیگری را نکشد . اینکه پاداش انسان نیست مگر آنچه خود کرده است . اینکه کوشش او به او نموده خواهد شد . و از این آیات شریفه جستارهای زیر به دست می آید : اسباب ابزار و علتیهایی که پیشرفت توسعه و تکامل حیات انسانی وابسته به آنهاست می باید تولید و پرورش داده شوند . در اینجا و در چنین واقعیهایی فرقی میان اینکه در چه جامعه ای ( دینی - غیر دینی ) و به وسیله چه کسانی ( مسلمان - کافر )

فراهم می آیند وجود ندارند ، بلکه به عنوان واقعیهایی حیاتی آنها را می باید پذیرفت و در پرورش و پاسداری از آن کوشید .

پایه های بنیادین حیات انسانی تلاش ( فکری - فیزیکی ) اوست از این روی می باید بستر حقوقی امنیتی و فنی این تلاش مهیا گردد . فرآورده های آن قدر گذارده شود و بهره بهینه از آن برده شود .

به صحنه آمدن عقلانیت بشری که به گونه بسیار شفاف و انباشته در علم و تکنولوژی نوین جلوه و نمود دارد تا جایی که این دو کارآمدترین بخش در عصر اطلاعات و ارتباطات هستند . و از آن جهت که علم و تکنولوژی کم و بیش تمامی پهنه زندگی را پوشش می دهند و اثر شگرف بر کارها و زوایای گوناگون حیات انسان گذارده و کارکردهای اجتماعی خدماتی و ساختاری بس بزرگ را به ارمغان آورده که پاره ای از آنها قلمرو کاربرد دین را در میدانهای مدیریتی ، اجتماعی و فنی به ظاهر محدود نمایانده است .

و از سوی دیگر و رودر بایستگی حضور علم نوین و تکنولوژی علم محور ( تکنولوژی اطلاعاتی تکنولوژی زیستی یا بیو تکنولوژی ، تکنولوژی فضای و هسته ای ) برای پویایی و کار آمدی تمدن اسلامی گریز ناپذیر و حیاتی است . از این روی احترام و اعتماد به عقلانیت بشری شناخت و بازشناسی قلمرو کارکرد اسلام و همین طور علم و تکنولوژی را از کارآمدی در عصر ارتباطات - اطلاعات است .

### منطق متن قرآن و رفتار پیشوایان دین :

منظور در اینجا این است که عقلانیت بشری با ویژگیهایی که در عصر ارتباطات و اطلاعات دارد چه جایگاهی در زبان دین پیدا می کند .

پیشرفت جهان اسلامی با عقلانیت بشری به چند صورت زیر بیان پذیر است :

۱) مبدأ و پشتوانه حرکت به سوی رشد و شکوفایی ، دانش و آگاه شدن است . چنانکه همه می دانیم این شکوفایی از ( اقرا ) و ( علم ) یعنی از ( آگاهی و خواندن ) ( شناخت و معرفت ) شروع می شود : « **اقراً باسم ربك الذى خلق اقرأ وربك الاكرم الذى علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم** » علق ۱- ۵ ( یا محمد ) بنام پروردگارت که انسان را از عدم به وجود آورده افتتاح کرده بعد از آن قرائت کن . خداوند تعالی به قدرت کامله خود افراد انسان را از یک پارچه خون ( که در رحم مادر از منی حاصل می شود ) ، خلق نمود .

( یا محمد ) آیاتی را که به تو وحی می شود قرائت کرده حفظ نما ، و بدان که پروردگار تو از همه بزرگان بزرگتر است . ( یا محمد ) از کرامت و سخاوت بزرگ خداوند کریم به انسان آن است که خلقت او را از سایر مخلوقات ممتاز کرده نوشتن با قلم را به او تعلیم نمود .

باز از جمله کرامت و سخاوت خداوند تعالی این است که انسان را از ظلمت جهالت به طرف نور علم خارج کرده چیزهاینداسته را به انسان تعلیم نمود ، لیکن انسان ظلمت را بر نور و جهالت را بر علم اختیار کرده ، خود را به حیوانات درنده ملحق می سازد .

و روشی را که قرآن برای تولد به حقیقت پیوستن و پابندگی جامعه بشری گزینش و استفاده می کند به طور کامل با عقلانیت سازگار است . چون که ابتدا از اصول که بنیاد جهان بینی و انسان شناسی اسلامی را می سازند آغاز می کند و کم کم و با توجه به گنجایشها و گسترش زاویه ها و جایگاههای معرفتی ، ارزشی ، اخلاقی ،

غریزی و رفتاری فرد و جامعه انسانی پیامش را ابلاغ می کند . « **و قرأناً فرقناه لتقرأه على الناس على مكث نزلناه تنزیلاً** » اسری ۱۰۶ /

و قرآن را پراکنده { آیه آیه ، سوره سوره } آوردیم تا بر مردمان با درنگ بخوانی و آن را فرو فرستادیم فرستادنی { به سزا } و مسائل اجتماعی ، حقوقی و حکومتی را یکی پس از دیگری روشن می کند و شرح می دهد و تمام بدنه این روش را برخورد منطقی آرام و آزادانه می سازند و اجبار کار گرفته نشده است .

« **فلذلك فادع و استقم كما امرت و امرت لا عدل بینکم الله ربنا و ربکم لنا اعمالنا و لكم اعمالکم لا حجه بیننا و بینکم الله یجمع بیننا و الیه المصیر** »

#### شوری ۱۵ /

پس به آن دین و آن شریعت مردم را بخوان و بر آنچه فرمان یافتی پایداری کن و [ بگو ] مأمورم که میان شما به داد داوری کنم. خدای یگانه پروردگار ما و شماس است . دین و کردار ما مارا و دین و کردار شما ، شما راست . میان ما و شما گفتگویی نیست . خداوند فردا همه ما را با هم بیامرزد و بازگشت همه به سوی اوست . و نیز می

فرماید : « **لا اکراه فی الدین قد تبیین الرشد من الغی** » بقره ۲۵۶

در شکوفایی جهان اسلام که آنهم برآمده از قرآن است هیچگاه زور و قدرت برای وارد ساختن دیگران در درون این حوزه رشد جهان اسلامی به کار نیفتاده است .

علامه طباطبایی (ره) نیز این نکته را بیان کرده است :

« اسلام صرفاً در مقابل دین و دشمنان اسلحه را به کار می برده آنهم برای اینکه شر آنها را دفع کند نه برای اینکه آنان را داخل در حوزه اسلامی بنماید و خدا می فرماید : ( و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه ) .

از سوی دیگر پیام این پیشرفت و تمدن از آن انسانیت است نه قومیت زبان نژاد اشرافی گری و از این روی می فرماید :

« **ما ارسلناک الا رحمه للعالمین** » انبیا ۱۰۷ /

« **قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم ان لا نعبد الا الله و لا نشکرک به شیئاً و لا یتخذ بعضاً بعضاً ارباباً من دون الله** » آل عمران ۶۴ /

عصر اطلاعات - ارتباطات برآمده و تکیه زده بر دانش و آگاهی است ، روشی که در این عصر خوشایند کار او موافق هویت واقعی و کارکردی آن و به دور از زور و همسو و همگام با منطق و آزادی است. هرچند انکار نمی توان کرد پاره ای از جامعه ها که زایش چنین عصری در آنجا بوده برخلاف هویت واقعی این عصر از روش زور

، اجبار و دیکتاتوری استفاده می کند ، مثلاً در فرانسه مانع فراگیری دانش از سوی دانش آموزان با حجاب اسلامی ، می شود . آمریکا از رفتار ضد انسانی اسرائیل با مسلمانان آشکارا حمایت می کند و پیام و ارزشهایی که در این عصر کاربرد دارد و می باید تولید بشوند ویژه انسانیت خواهد بود در غیر آن ، این عصر عمری نخواهد داشت .

### احترام و اعتماد به عقلانیت بشری در عصر ارتباطات :

احترام و اعتماد به عقلانیت بشری از دیگر واقعیتهای این عصر باید باشد که خوشبختانه در فرهنگ اسلامی به این دو امر توجه ویژه شده است . احترام به عقلانیت در فرهنگ اسلامی سبب شده است که معادله تساوی میان دانش و غیر آن ( جهل ) فرو ریزد و از کار بیفتد که ناگزیر این به هم خوردگی موقعیت حقوقی ، مدیریتی ، اجتماعی و انسانی هر کدام را متفاوت می نماید . از این رویقرآن ابتدا نفی تساوی می کند :

« هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون » زمر ۹/ و سپس توزیع مسئولیت را بر حسب شایستگی و معیار رشد بیان می کند : « یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات و الله بما تعملون خبیر » مجادله ۱۱/

خداوند بالا می برد کسانی را که از شما ایمان آورده اند و آنانی را که دانشمند هستند درجات ( بیشتری ) بالا می برد و خداوند به آنچه که می کنید آگاه است . در اسلام شوق انگیزی و برانگیختگی جدی نسبت به تفکر و تعقل شده و حوزه های گوناگون : طبیعت انسان هستی و گیتی تاریخ و رفتار بشری برای آن معین گردیده است . لازمه این دو مقدمه یا گزاره این است که :

۱- عقلانیت بشری به معنای فراگیر آن در بردارنده عقلانیت علمی ، تکنیکی ، فلسفی و دینی می گردد به جریان بیفتد و گونه ای از خرد جمعی پرورش نماید ، زیرا گوناگونی حوزه تفکر و خردورزی می طلبد تا ساز و کار عقلانیت یکسان نباشد و به هر مسأله و موضوعی و یا به مسأله و جریان واحد از زوایای گوناگون با روش ویژه نگرینسته شود .

۲- شوق انگیزی و برانگیختگی برای خردورزی در حوزه های مختلف در صورتی معنی و نتیجه می دهد که به دستاوردهای عقل بشری اعتماد شود که خود مستلزم به کار بستن آنهاست . و در غیر آن این برانگیختگی و پافشاری بیهوده خواهد بود :

« تأمرون الناس بالبر و تنسون انفسکم و انتم تتلون الكتاب افلا تعقلون » بقره ۴۴/

مردم را به نیکی دعوت امر می کنید و خود را فراموش می کنید و در حالیکه کتاب مرا می خوانید . آیا پس در نمی یابید .

« و تصریف الریاح و السباح المسخر بین السماء و الارض آیات لقوم یعقلون » بقره ۱۶۴/ و گرداندن بادها از هر سوی و ابری که میان آسمان و زمین است . اینها همه نشانه های روشن برای گروه خردمندان است .

« افلم یسیروا فی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون بها أو آذان یسمعون بها » حج ۴۶/

آیا آنان در زمین سیر و سیاحت نکردند تا دلهایی داشته باشند که با آن هوشیاری دریابند یا گوشهایی که سخنان درست و راست را بشنوند. از آیات کریمه و همانند آنها که در قرآن کریم شمار در خور توجه نیز هست گستره و گوناگونی عقلانیت به خوبی فهمیده می شود.

۳- به طور طبیعی هر پدیده ای که حالت بت شدگی بگیرد دوام و کاربرد اثرگذار نخواهد داشت . چون بت شدگی آن را به یک پدیده یا رویداد ایستا و راکد دگر می سازد . عقلانیت بشری نیز از این حکم بیرون نیست ، و هر زمانی که حالت بت مانند و سنگواره ای پیدا بکند به ضدش دگر شده و مقدمات مرگش فراهم می آید . عصر اطلاعات - ارتباطات در اثر ، اثرگذاری گسترده و همه جانبه که تکنولوژیهای ارتباط جمعی بیوتکنولوژی بر اندیشه و روش انسانها گذارده است با ایستایی و بت شدگی سخت ناسازگار است ، زیرا این عصر از حیث ساختاری و یا نیروبخش خرد جمعی است . راز پویایی و دینامیک بودن در این عصر در عبارت زیر آمده است :

« مثل رادیو و تلویزیون و خیلی از رسانه های دیگر که سیلابی از اطلاعات را وارد جامعه می کند . این اطلاعات در واقع ذهن ها را فعال می کند مثل اثرژی می ماند ، برخی ها هستند مثل هنرمندان ، طراحان و تمام کسانی که به اصطلاح آفرینندگان جامعه هستند . اینها از این فعال شدن محیط محیط ایده می گیرند و خلق می کنند و این خلاقیتها به صورتهای مختلف متبلور می شود . »

اما در اسلام بیشتر از عصر ارتباطات - اطلاعات با بت شدن و سنگ وارگی عقلانیت انسانی مخالفت شده است و عقلانیتبشری را فرایندی در حال تکامل ، نقدپذیر ، پخش پذیر ، خطاپذیر و در ضمن حدطلب می داند .

علی (ع) پایان ناپذیری فرایند تکامل معرفت بشری را در این عبارت به زیبایی بیان کرده است : « **مَنْ ادعى من العلم غایتهم فقد اظهر من جهله نهائیه** » این کلام گذشته از تکامل پذیری عقلانیت بشری نقدپذیری آن را نیز ثابت می کند ، زیرا اولی بدون گذر از دومی بدست نمی آید . و پس از نقد و پیراستن زواید است که عقل فربه می شود و توسعه و رشد می یابد . پراکندن دانایی دانش و اطلاعاتی که حقوقی چون : حق تولید پخش و نشر و دستیابی به آنها را بوجود می آورد یکی دیگر از مؤلفه های جامعهانفورماتیک است . این مؤلفه را می توان از کلام عالی علی (ع) فهمید که می فرماید

« **شکر العالم علی علمه ان یبذل له لمن یتحققه** »

نکته ظریفی که در این کلام نهفته این است که : دانش به مانند یک حق پخش و استفاده بشود و همگان حق آگاه شدن و آگاه کردن دانشوری ودانش پروری را داشته باشند به همین جهت تلاش و همکاری بین المللی در پدیدآوردن و بنیان گذاردن نظام حقوقی بین المللی که برآورنده عادلانه این حق انسانی باشد لازم و ضروری است .

در سخنان امام علی (ع) جستاری دیده می شود که عقلانیت بشری را در بخشهای گسترده آن مانند : عقلانیت تجربی ، علمی ، ابزاری ، فلسفی و دینی روشن می کند و در ضمن به شیوه خاصی از عقلانیت تجربی می پردازد :

« **العقل الاصابه بالظن و معرفه ما لم یکن بما کان** » ( عقلانیت تجربی و نتیجه گیری غیر قیاسی )

« **لیس للعاقل ان یکون شاخصاً الا فی ثلاث : مَرَمَةٌ لمعاش او خطوه فی معادٍ او لذه فی غیر محرم** »

( عقلانیت دینی و عقلانیت علمی ) « **العقل حفظ التجارب** »

از مؤلفه های دیگر عصر اطلاعات - ارتباطات بسیاری و گوناگونی حق و حقیقت است این گوناگونی برآیند کارکرد و داد و ستد تکنولوژیهای ارتباطی پیشرفته مانند : ماهواره ، اینترنت ، کامپیوترهایی که گذشته از وظیفه شمارش گری کارکرد تولیدی و کارپردازانه در عرصه های صنعتی و معرفتی دارند تلویزیونهای الکترونیک و از چنین گوناگونی و بسیاری گریزنیست . چون تکنولوژیهای یاد شده ، اندیشه ها ، روشها ، ارزشها ، فرهنگهای گوناگون را در درون یک فضا و محیط درکنار هم و روی در روی هم قرار می دهد. بطور طبیعی این رویارویی چالشهای مهار نشدنی را ممکن است بوجود آورد و تنها روش پیشگیری از این وضعیت پذیرش گوناگونی و بسیاری حق و حقیقت است آن هم نه به عنوان طرح کوتاه مدت و گذرا بلکه به مانند واقعیت معرفت شناختی و هستی شناختی ، زیرا این گوناگونی و بسیاری ریشه در دو مبانی یاد شده دارند و از آنجا سرچشمه می گیرند .

در جهان اسلام ، سالیان دراز روشها و اندیشه ها و باورهای گوناگون در یک نظام کنشی زیست کرده اند . و این زیست میسور و ممکن نمی بود و نیست مگر در پرتو مبانی انسان شناختی و جهان شناختی اسلام . در اسلام در کنار و پرتو حق واحد کامل نهایی از حقایق معرفتی ، روشی و وجودی سخن به میان آمده است . قرآن می فرماید : « **ذلک بان الله هو الحق و ان ما یدعون من دونه الباطل و ان الله هو العلی الکبیر** » لقمان ۳۰/در این آیه شریفه « **الله** » متعال عالیترین حق و نهایی ترین حقیقت معرفی شده است و هر حقیقتی عالی تر و کامل تر چه در صورت معبود و چه غیر آن خوانده بشود جزء باطل چیزی نمی تواند بود . معنای این

سخن نفی گوناگونی و بسیاری حق در مراحل و حوزه های دیگر نیست ، زیرا در قرآن کریم امور گوناگون مانند : سخن حق عمل حق روش و راه حق خلقت و عذاب حق قتل ، حق ملکیت ، ریاست ، قدرت ، اندیشه و غیره آمده است .

بسیاری و گوناگونی یاد شده دارای دو مبنا است که در قرآن کریم بر آن دو تأکید فراوان رفته است . این دو مبنا عبارتند از:

### ۱- هستی شناختی

### ۲- معرفت شناختی □□

هستی شناسی حق و حقیقت در مکتب قرآن و اسلام ما را به سوی حقایق بسیار و گوناگون راهنمایی می کند ، زیرا در آنجا سخن از حقایق بسیار و گوناگون رفته است مانند : « و يعلمونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ » نور ۲۵ / او بدانند که خداوند براستی خدای برحق و پیدا و آشکار است .

« يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ » ق ۱۶ / روزی که خلق آن صیحه را به حق بشنوند آن روز هنگام خارج شدن از گورهاست .

« مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ » روم ۸ / خدا آسمانها و زمین و هر چه در بین آنهاست همه را جز به حق نیافریده است .

« إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْآخِبَارِ وَالرَّهْبَانِ لَيَأْكُونُ الْأَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ » توبه ۳۴ / می داند و به طور طبیعی روش آبادانی و توسعه حیات دنیوی را که ثبات و پیامدهای منطقی و کاربردی و دینی دارد حق می داند .

در قرآن کریم روشهای گوناگون و اسباب بسیار جهت شناخت و معرفت آمده است که لازمه آن پذیرش حقایق بسیار و گوناگون است . روش حسی - تجربی که برای کاوش و شناخت استفاده می گردد به طور طبیعی حقیقتها و واقعیتهای درخور حس و آشکارا ثابت می کند . روش قیاسی استنتاجی و استدلال برهانی پدیده های عقلی را تبیین و مفروض می گیرد . راه شهود و دریافت درونی نیز حقایق از سنخ خود را ثابت می کند .

در یک مکتب منطقی به نظر نمی آید که از سویی روشهای گوناگون معرفت را به کار بگیرد و کسان را برای فهمیدن و به کار بستن آنها برانگیزد و از سویی به حقیقتها و واقعیتهای گوناگون و بسیار اعتراف نکند .

در قرآن به بهره گیری و تولید روشهای گوناگون معرفت و معیشت تأکید فراوان رفته است . به طور طبیعی دست آورد به کار بستن و بهره برداری از این روشها که همان حقیقتها و واقعیتهای گوناگون در حوزه های گوناگون زیستی هستند پذیرفته و خوشایند است . از این روی قرآن در کنار روشهای حسی - تجربی ، عقلی و شهودی به حقیقتهایی از سنخ هر کدام اعتراف دارد . « وَلَوْ نَشَاءُ لَارِيْنَاكُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمِهِمْ وَ لَعَرَفْنَاهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ » محمد ۳۰ / اگر می خواستیم سیمای ایشان را به تو می نمایانیم . و هر آینه آنان در آسانی سخنشان خواهی شناخت و خداوند کردارهای شما را می داند . در این آیه کریمه از راه پدیده های فیزیکی در چهره انسانهای منافق پدیدار می شوند و نیز از راه فرایند گفتار به شخصیت آنها معرفت و راه و می یابد .

« لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ تَحْسِبُهُمْ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ » بقره ۲۷۳

کات و صدقه برای نیازمندان است که از جان و مال و فرزندان خود در راه خدا بازداشته و مانده اند و توانایی بازرگانی و روزی جستن از رفتن به مسافرت ندارند و نادانان گمان برند که ایشان بی نیازند از آن که از مردم چیزی نخواهند و عفت آبرو نگاه دارند . اگر در ایشان نگری به سیما آنان را شناسی . در این آیه کریمه نشان داده شده که چگونه به فقر که یک پدیده فیزیکی است از راه دگرگونی کمی و کیفی فیزیکی که در چهره شخص و حتی جامعه فقیر نمایان است پی برده میشود .

« أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَ زَيَّنَّاهَا وَ مَا لَهَا مِنْ فُرَجٍ » ق ۱۶

آیا به آسمان نمی نگرند بالای سرشان که چگونه ما آن را ساختیم و نگارش دادیم که هیچ عیب و شکافی در آن نیست .

نکته هایی که از این کریمه بدست می آیند عبارتند از :



۱- بایستگی نظر کردن به گیتی و چگونه آفرینش و کارکرد آن .

۲- نظر کردن تماشای سطحی نیست بلکه بسیاری از روشهای معرفتی ( فلسفی - هنری - علمی - تکنیکی و غیره ) را در بر می گیرد . و این روشها ناگزیر داده هایی را پیرامون گیتی تولید می کنند .

۳- بیش ترین مطلوب در آیه کریمه کشف و معرفت به چگونگی آفرینش و کارکرد سازه های نظام گیتی است . و تنها روشی که از پی این مهم به خوبی بر می آید روش علمی به معنای امروزی آن است . و این روش تا کنون دستاوردها ، قانونها ، دیدگاهها و در مجموع حقیقتهای گوناگون و بسیاری را در راستای سازوکار آفرینش و کارکرد ستارگان ، سیارگان و گیتی ارائه کرده است .

« أَقْلَمَ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُون لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا وَأُذَانٌ سَمِعُونَ بِهَا » حج ۱۴۶

ایا آنان در زمین سیر و سیاحت نکردند تا دلهایی داشته باشند که با آن هوشیاری در یابند و یا گوشهایی که سخنان راست و درست بشنوند .  
نتیجه هایی که از این آیه می توان گرفت :

۱- رفتار مناسبات و نظامهای اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی بر آمده از آن مناسبات که در طول حیات اجتماعی بشر بوجود آمده اند می باید به عنوان منبع معرفتی پژوهیده شوند .

۲- دست کم دو روش مهم در این پژوهش لازم است :

#### الف) روش عقلی

#### ب) روش تجربی - حسی

۳- این دو روش در جریان کاوش به دسته ای از حقیقتهای گوناگون در حوزه یاد شده دست می یابند . و مهم ترین دلیل مطلب کشف شده و تولید قانونها و قاعده های گوناگون حاکم بر سیر تحولی ( تکاملی - تنزلی ) حیات و تاریخ جامعه های بشری و نیز فرآورده های فرهنگی و تمدنی آنهاست که نمی توان همه را باطل دانست . از آنچه تا اکنون گفته آمد این نکته روشن شد که جامعه اسلامی ، جامعه چند صدایی و چند روشی است نه تک صدایی و تک روش . این واقعیت در رفتار و گفتار پیشوایان دین و تبلور کامل دارد . چنانکه اسوه دانش و ارزش علی ( ع ) می فرماید : « فَلَ تَكَلَّمُونِي بِمَا تَكَلَّمُ بِهِ الْحَيَا بَرَّةُ وَلَا تَتَحَفَّظُوا فِي بَمَا يَتَحَفَّظُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ وَلَا تَخَالَطُونِي بِالْمَصَانِعِ » . به این ترتیب هر قدر در جامعه انسانی تکامل بیابد به همان اندازه به سوی جامعه انسانی اسلامی نزدیکی پیدا می کند .

#### بسیج نیرو :

بسیج نیرو به فرآیند شناخت پرورش و بهره گیری بهینه از گنجاییها ، توان مندیها و نیروهای ( انسانی و غیر انسانی ) گفته می شود . به طور طبیعی به حقیقت پیوستن این امور تابعی است از یک سلسله دگرگونیهای دیگر مانند شرایط اقتصادی ، علمی و روحی . از این روی در جامعه های گوناگون و نیز در مرحله های گوناگون از سیر تکاملی حیات بشری عناصر و ساز و کارهای ویژه ای لازم است که توجه به این ویژگی خود از نکته های بس ارزشمند در بسیج نیرو به شمار می آید . در عصر اطلاعات - ارتباطات این عنصر از عناصر کلیدی شناخته شده است و دلیل آن در رو با تیزه و ائومانیزه شدن امور پیدایش نوینی از صورت بندیهای اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و مدیریتی که برآیند دگرگونیهای ساختاری و زیربنای جامعه است که پیامد آن جایگزینی و تولد عناصر عوامل و لایه های اجتماعی است مانند دگرگون شدن جایگاه سیاستمداران سرمایه داران به مدیران تکنسین ها و دانشمندان تبدیل دانش ( علم اطلاعات فناوری ) به ابزار تولید و زیربنای جامعه برهمین اساس شتاب و اندازه تولید کالاهای فرهنگی ، اقتصادی ، سیاسی ، علمی و فنی بالا گوناگون و افزون پذیر است و روشها دگرگون شونده و تجدیدپذیر و اندیشه ها گوناگون هستند .

## شتاب و هموردی :

شتاب و هموردی از شاخصه عصر نوین است و از شاخصه های شتاب و هموردی دانش و فن محوری آنهاست. در اسلام در کنار اینکه اصل هموردی و سابقه مشروع است دو ویژگی آن : یعنی منطقی و سازنده بودن و دیگر سرعت در اوج خوشایندی قرار دارند به گونه ای که بدون این دو هموردی پدیده زشت و ویرانگر بیش نخواهد بود. به همین جهت در قرآن هر جا که صحبت از هموردی رفته است آن دو ویژگی آن را همراهی می کنند .

« و لکل وجهه هو مؤلیها فاستبقوا الخیرات »

پیشی گرفتن در امر خیر که در آیه کریمه یاد شده ذکر و دستورش رفته است و نیز ممنوع بودن به کار بردن واژگان زشت در برخورد با کافران در شریفه مبارکه : « و لا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدواً بغير علم » کسانی را که جز خدا می پرستند دشنام ندهید تا ایشان خدا را از روی دشمنی بدون دانش و معرفت دشنام دهند .

و نیز باز بودن فرایند گفتگو که لازمه آن ارائه اندیشه ها و روشهای مخالف و موافق و سپس گزینش اندیشه برهانی است در آیه کریمه : « فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه » آن بندگان کسانی هستند که سخن می شنوند و بهترین آن را پیروی می کنند .

هم حکایت از انسانی منطقی و سازنده بودن هموردی دارند . پسوندی که به معنای واقعی کلمه در عینیت عصر اطلاعات تباطات ناپیدا و یا غریب اند. همچنین آیه های شریفه : « و سارعوا الی مغفره من ربکم »

« اولئک سیارعون فی الخیرات » مؤمنون ۶۱/سرعت را برای هدایت هموردی مناسب جریان زمان می داند.

به این ترتیب هموردی شتابنده سازنده سرچشمه اسلامی دارد که برای حرکت پیش رونده عصر اطلاعات نیاز حیاتی محسوب می شود .

## توازن :

مراد این است که ساز و کار حیات بشری به گونه هماهنگ و برابر تولید رشد و توسعه می یابد و بطور طبیعی پس از پیدایش توازن در عناصر و عوامل حیاتی تعادل بوجود می آید که خود پیش زمینه صلح پایدار و امنیت فراگیر است . و تا زمانی که این

تعادل پدید نیاید امنیت فراگیر و توسعه انسانی که مستلزم استفاده و پرورش بهینه تمام گنجاییها و نیروهاست به حقیقت نخواهد پیوست . بنابراین موزون سازی به مانند مهمترین ساز و کار کارآمدی فرهنگ و تمدن اسلامی و یا فرهنگ و تمدن دیگر از جایگاه والایی برخوردار است ، اما متأسفانه هم تمدن فعلی اسلامی و هم تمدن غربی در این بخش آسیب پذیراند.

دلایل علمی - منطقی و تاریخی تأیید و ثابت کننده این معناست که رشد ناموزون از میزان کارآمدی می کاهد بویژه در شرایطی که مجموعه تلاشهای فکری فنی و حتی اعتقادی و دینی بصورت سیستمی انجام بپذیرد مانند عصر اطلاعات - ارتباطات . در این وضعیت از آن جهت که میان تمام مراتب اجزاء و عوامل سیستم پیوند کارکردی و حیاتی وجود دارد و بازدهی و بقای سیستم در گرو عملکرد متعادل ، تکمیل کننده و هماهنگ اجزای آن است و فساد یک جزء و عنصر تمام سیستم را از کار می اندازد . و بطور طبیعی کارآمدی مرهون عملکرد سیستماتیک است و سیستم تنها با هماهنگی اجزاء زنده و پویاست . به این ترتیب کارآمدی سخت نیازمند موزون بودن است .

اما تجربه تاریخی نیز گواه این مدعاست . تمدن صنعتی در بدنه مادی و کارهای تولیدی رشد خوبی داشت ولی در بعد کارهای خدماتی و معنوی به معنای فراگیر رشد ناخوشایند داشت . درست همین موزون نبودن سنگ بنای تمدن فراصنعتی یا فرهنگ فرامدرن گردید و امروزه تمدن فرا صنعتی به سوی این موزون سازی

می خواهد حرکت داشته باشد و از دستاوردهای آن کلیت و تمامیت زدایی از علم است. در اسلام دستوره‌های راهبردی ارزنده ای وجود دارد که در صورت عمل به آنها عینیت بخشی آنها در جسم و روح جامعه از رشد ناموزون در تمدن اسلامی جلوگیری می شود.

خداوند متعال می فرماید: «**وَاتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ احْسِنْ كَمَا احْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ**»

و در آیه شریفه آمده است: «**قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ**»

ابو البختری از پیامبر اکرم نقل می کند: حضرت رسول (ص) چنین دعا فرمود: «**اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي أَنْخَبِزِ فَانِهِ لَوْلَا الْخَبْزُ مَا صَلَّيْنَا وَ لَا آذَيْنَا فَرَائِضَ رَبِّنَا**».

و باز هم از رسول گرامی اسلام نقل شده است که فرمود: **لَوْ قَامَتِ الْقِيَامَتُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمْ فِيلَةٌ (ضِعَارُ النَّخْلِ) فَانِ اسْتَطَاعَ أَنْ الْقِيَوْمَ حَتَّى يَغْرَسَهَا فَلْيَعِلْ**».

اگر قیامت برپا شود و در دست یکی از شما نهال نخلی باشد اگر بتواند برای قیامت بر نخیزد (تا) آن نهال را بکارد این کار را انجام دهد.

امیر المؤمنین علی (ع) می فرماید: «**اعمل لدنیاک کأنک تعیش ابدًا و اعمل لآخر تک کأنک تموت غدًا**».

چند نکته خیلی حساس و اساسی نتیجه آیات و روایات یاد شده است:

۱- پویایی و حرکت بنیاد حیات است.

۲- سیر پویایی و حرکت هدفمند و نظامند از دنیا تا آخرت است.

۳- آخرت و آباد تنها در سایه دنیای آباد و پر پویایی بدست می آید.

۴- دنیای آباد در گرو توسعه انسانی و تکامل و پیشرفت سیاسی، حقوق، اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، خدماتی، علمی، فنی، دینی و اخلاقی جامعه بشری است.

در کشورهای اسلامی سرمایه گذاری و توانا سازی دو بخش حیاتی است:

۱- پدید آوری و گسترش زیر ساختهای سازگار (دانش مدیریت امکانات شرایط روانی - اعتقادی) برای تولید و افزایش کمی و توان کیفی سخت افزار.

۲- تنوع نرم افزار فرهنگی همراه با عرضه به هنگام و افزایش شایستگیهای عرضه در الگوها و هنرهای مختلف. امروزه رابطه نرم افزار و سخت افزار چنان پیچیده و گره خورده که یکی بدون دیگری کارایی ندارد. به همین جهت هرگاه کشوری از جهت نرم افزار فرهنگی قوی و قدرتمند باشد و در برابر در حوزه سخت افزار در نهایت سستی و رخوت فرو رفته باشد در جامعه انفورماتیک و روباتیزه و اتوماتیزه شده امروزین عرضه و دفاع ناپذیر می نماید.

حالت پس رانی و اثر پذیری بیش تر کشورهای اسلامی در برابر فرهنگ تهاجمی غرب بر آمده و بر ساخته از رخوت و سستی است. بعنوان مثال آسوشیتدپرس که یک مرکز خبری در آمریکا است توان و گنجایی پخش و ارسال نود هزار کلمه را در روز به کشورهای آسیایی دارد و هر روزه این کار را انجام می دهد، اما متأسفانه تمام کشورهای آسیایی نوزده هزار کلمه در روز به آمریکا مخابره می کنند و به همین تناسب و حتی بیشتر ناسانی در ارسال پیامهای تصویری وجود دارد.

**پدید آوردن پیوندها و سازواریهای هماهنگ بین حق کسب و پیوند اطلاعات:**

ارتباطات با حق تولید پخش و نشر هر کدام از مجاری گوناگون. به دیگر سخن برآوردن و زمینه سازی حقوقی قانونی و ساختاری این روند از راه برپایی سیستمی که تمامی افراد جامعه بشری در سایه یک نظام حقوقی همان گونه که حق دستیابی به اطلاعات و حق پیوند با یکدیگر را دارند حق دست یازی به منابع سیستمهای اطلاعاتی - ارتباطاتی (شبکه های تلویزیون کامپیوتر، اینترنت، ماهواره، مطبوعات، تریبونها، دانشگاهها و مساجد) جهت تولید و نشر پیامهای گوناگون را نیز داشته باشند. در غیر آن استبداد فکری و روشی که ما در استعمار و واپس گرایی فردی - اجتماعی در عرصه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، معرفتی، دینی در زاویه

های ریز و درشت پدید می آید و صلح امنیت عمومی عدالت اجتماعی و توسعه انسانی که بنیاد تکامل بشر بشمارند و از مهمترین هدفهای ادیان توحیدی هستند وجود خارجی در عرصه جهانی نمی یابند از اینرو فرهنگ اسلامی در مقام اجرا می باید معادله یاد شده را شر یا نگهدار تا باشد که بشریت صلح ، عدالت ، توسعه انسانی و امنیت جهانی را تجربه کند . بویژه این راهبرد در منطق متن تأیید شده است . خداوند متعال می فرماید: « **و از اخذ الله میثاق الّذین اوتوا الکتب لتبیینته للنّاس و لا تکتّمونه** » خداوند از کسانی که به آنها کتاب داده شده پیمان گرفت تمام پیام آن را به روشنی برای همه جهانیان بیان کند .

و علی (ع) فرمود: « **ما اخذ الله علی اهل الجهل ان تیعلموا حتی اخذ علی اهل العلم ان یعلموا** »

**عرضه پیام بنیادی و کار بردی :**

علوم اجتماعی ، فلاسفه ، عالمان دین ، استراتژیستهای روابط و سیاست بین المللی بر این باورند که آینده جهان در گرو شکل بندی رابطه ها و پیوستگیهای تمدنهای بزرگ است هر چند در جهت رابطه ها و پیوستگیهای تمدنهای بزرگ است هر چند در جهت رابطه ها و پیوستگیها همسویی ندارند . چون شمار در خوری از آنان بر این باورند که تمدنها در آینده روابط پر برخورد و تنش آلود خواهند داشت . و جمعی دیگر با خوشبینی حسن روابط را میان آنها می بینند . ولی هر دو دسته همداستانند که صلح عدالت حقوق انسانی و امنیت جهانی تنها برآیند همکاری آنها خواهد بود .

« **قل یا اهل الکتب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم انا نعبد انا الله و لا نشرك به شیئاً و لا نخذ بعضنا ارباباً من دون الله فان الله تولوا فقولوا اشهدوا و اباناً مسلمون** » .

**مدیریت برنامه ریزی سازواره ای :**

چنانکه گفته شد در عصر اطلاعات - ارتباطات گذشته از آنکه حیات بشری در سرتاسر کره خاکی پیوند و گره ناگسستنی خورده است سازه های حیات بشری و نیز روش پایداری و ماندگاری آن بسیار گوناگون و گسترده شده است و دیگر حیات بر یک پاشنه و محور نخواهد چرخید ، از اینرو مدیریت و انسجام بخشی به آن سازه ها نه تنها در سطح یک کشور بلکه در سطح جهانی اهمیت دارد . یک کشور هر چند سازه های حیاتی خویش را خوب سامان بدهد ، اما در سطح بین المللی آن سازه ها ساماندهی نگردیده باشد باز هم مدیریت یاد شده در سطح همان کشور نیز پاسخ مطلوب نمی دهد . بنابراین روشهای مدیریتی ، رفتاری ، اداری دیوانسالاری روزمره ای و کار چاق کنو حتی اقتضائی که بیش تر در قلمروهای محدود چون شرکتهای اقتصادی و غیره کاربرد دارند از پس این مهم بر نمی آیند . بطور طبیعی می باید روش مدیریتی را برگزید که در بسیج نیرو در چنین عصری آن هم در سطح بین المللی کارآمد باشد .

و اما شایسته ترین روش مدیریت در این عصر مدیریت برنامه ریز سازواره ای یا نظام گراست که بصورت یک سیستم باز عمل می کند . با این روش گذشته از این که به خوبی می توان هموردی و تلاش برای برتری ، هماهنگی و برابر سازی پیام را تولید کرد . مهمتر از آن پدید آوردن هماهنگی و به هم بافتگی و نیز استمرار استوار سازی و پا بر جا کردن هموردی سازنده تعادل و موزون سازی و کاربردی شدن و اجرا پذیری آن را با قوت نگهداری و پایداری و انجام پذیر گردانید .

جامعه گروهی از افراد که با وجوه اشتراک اعم از دین و آیین و... در کنار یکدیگر زندگی می کنند و دارای رهبری می باشند که از ناحیه خداوند برای آنها فرستاده شده باشد یا جانشین او باشد . رهبر بعنوان رکن اساسی جامعه محسوب می شود و افراد جامعه اگر بر طبق موازین اسلامی رشد یابند جامعه ای مطلوب خواهد داشت که تکامل آنها در این جامعه صورت می گیرد . در این جامعه ملاک و هدف اساسی آن است که قرآن مجید بیان کرده است ، قرآن برنامه ای جامع و دستوراتی کامل برای رسیدن به جامعه مطلوب به انسانهای می دهد که افراد با به کار بستن آن و ثبات و در اجرای قوانین آن به این جامعه دسترسی می یابند . برای آشنایی بهتر قرآن مثالها و الگوهایی را معرفی می کند که بهترین نمونه هستند و انسان در دستیابی به رشد و سعادت خود که در دل اجتماع نهفته است باید از آنان پیروی

کند. این جامعه توسط افرادی ساخته می شود که خود نمونه عینی افراد مؤمن و متقی می باشند و سرنوشت آن نیز بدست همین اعضاء می باشد که خداوند صریحاً سرنوشت را مختص خود جامعه می داند و از اینکه افراد آن صرفاً قضا و قدر الهی ببینند نهی می کند. برای ساختن چنین جامعه ای انقلابی درونی لازم است تا افکار ملت بیدار شده و به جستجوی حقیقت بپردازند ولی باید مراقب بود چرا که همیشه امکان بروز حرکت‌های ضد انقلابی نیز وجود دارد. بطور کلی در جامعه هایی که مذهب بافت زیربنایی آنها را تشکیل می دهد، ارزشها و معیارهای آن مذهب هم بطور ناخود آگاه و به مرور زمان در فرهنگ آن جامعه و همچنین در بینش ها و عملکردهای افرا آن جامعه تأثیر خواهد گذاشت و پس از اندک زمانی یک امر طبیعی تلقی خواهند بطوری که قرآن بیشترین توجه را میبذول نموده است به مسائلی

۱- فراهم کردن امکانات آموزشی و ترغیب به تعلیم و تعلم .

۲- پرورش و به فعلیت رساندن سجایای اخلاقی در اجتماع ( آل عمران ۱۶۴ / توبه ۱۲۲)

۳- وضع و تبیین قوانین فردی و اجتماعی .

۴- زمینه سازی برای رشد اقتصادی ، در زمینه های کشاورزی ، صنعتی ، تجاری و... با هدف عدالت اجتماعی ( هود ۶۱ / حشر ۷ / توبه ۳۴

### منابع:

۱- قرآن کریم .

۲- نهج البلاغه .

۳- محمدی مجید ، دین و ارتباطات ، چاپ اول ، انتشارات کویر ، ۱۳۸۲ تهران

۴- طباطبائی سید محمد حسین ، تفسیر المیزان ج ۱۸ و ۱۵ ، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی ، چاپ صدوبیست هشتم انتشارات امیر کبیر ، ۱۳۶۳ تهران

۵- مکارم شیرازی ناصر ، تفسیر نمونه ج ۱ - چاپ بیستم - انتشارات دارالکتاب الاسلامیه - ۱۳۶۴ تهران

۶- مقاله : فرهنگ توسعه و ارتباطات جمعی - علی اسدی

۷- دارالقرآن ملی جوانان

آدرس اینترنت :

[www.farsnews.com](http://www.farsnews.com)

[www.persianblog.com](http://www.persianblog.com)

تبیان